**نمودهای پاسداشت حقوقیِ هویت ملی در سیاست جنایی تقنینی ایران؛**

**تأملی انتقادی**

[[1]](#footnote-1)مهدی خاقانی اصفهانی

**چکیده**

[هویت](https://www.sid.ir/search/paper/%D9%87%D9%88%DB%8C%D8%AA/fa?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=all) به عنوان حق فردی یا [هویت](https://www.sid.ir/search/paper/%D9%87%D9%88%DB%8C%D8%AA/fa?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=all) در معنای فرهنگ جمعی، چالشی دیرینه میان رویکرد حقوقی به جامعه­شناسیِ حقوقی و رویکرد جامعه­شناختی به جامعه­شناسیِ حقوقی بوده است. هویتِ جسمی در سپهر جامعه­شناسیِ بدن، سطح خُردِ هویت است. جسم به مثابه یک پروژه هویتی با ابعاد حقوقی، موضوع اندیشه­ورزیِ حقوقی بوده و جرم­انگاری شبیه­سازی انسان و برخی انواع تراریخته­سازیِ مواد غذایی در سیاست جنایی برخی کشورها، برخی نمودهای حمایت کیفری از همین جنبه زیستیِ هویت هستند؛ همچنان که جابجاکردنِ نوزادان با یکدیگر در زایشگاه، کودک­آزاری، و رهاکردن طفل در محل خالی از سکنه، صور دیگرِ صیانت از هویتِ نسبی و نسلی توسط قوانین کیفری هستند، که ریشه در تعالیم فطرت­مدارِ ادیان توحیدی و فقه جزایی اسلام دارد. با گذار از نودازی و طفولیت به کودکی و نوجوانی، پاسداشت حقوقیِ هویت ایرانیان در سطح فراجسمی-فرافردی، در اَشکالی همچون تخلف­انگاریِ استفاده ابزاری از زنان و بانوان در تبلیغات تجاری نمود می­یابد، که یک ضمانت­اجرای پیراکیفریِ صنفی در چارچوب سیاست جناییِ غیرکیفری است.

این مقاله، به روش توصیفی- تحلیلی، در چارچوب مبانی عدالت کیفری اسلامی و جرم­شناسیِ حقوقیِ انتقادی، بر این فرضیه استوار است که إعمال واکنش کیفری به رفتارهایی همچون استفاده ابزاری و سازمان­یافته از دختران برای مدلینگ­های خیابانی، «حجاب­استایل­ها»ی اینستاگرامیِ مروّج محجبه­گریِ بی­عفت، و تبلیغ نشان­های گروه­های انحرافی و الحادی، صرفا با ماده 638 قانون مجازات اسلامی و تبصره آن و آیین­نامه و دستورالعمل اجراییِ مذکور قابل استناد نیست. جرم­انگاری با مقررات ممکن نیست و قوانین پراکنده­ی جاری نیز نشانگر یک سیاست جنایی تقنینیِ منسجم و کارآمد و مبتنی بر الگوی اسلامی- ایرانیِ عدالت کیفری در حمایت از عفاف و حجاب به مثابه نمادی مهمی از هویت ملی قاطبه ایرانیان نیست. مقاله، حاوی رهیافت­هایی جهت اصلاح قوانین پیشگیرانه و کیفری در حوزه پاسداشت دو ساحتِ «فردی-جسمی» و «ملی-پوششی» است.

**واژگان کلیدی**: ­هویت فردی، هویت ملی، مدلینگ خیابانی، جامعه­شناسی جناییِ جنسیت، سیاست جناییِ اسلامی-ایرانی

**مقدمه**

بین جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان، رابطه مستقیم و قوی وجود دارد و کاهش اهمیت عناصر هویت‌بخش به‌عنوان یکی از پیامدهای جهانی‌شدن نیز بر بحران هویت جوانان تأثیرگذار است. همچنین فرهنگ مصرف‌گرایی از نوع غربی و استفاده از محصولات تولیدی غرب در دوره جهانی‌شدن رابطه مستقیمی با بحران هویت جوانان دارد. طیفی وسیعی از تهدیدها علیه هویت، از پیش از تولد انسان گرفته، دوران کودکی و نوجوانی و میانسالی و پیری، انحرافات و جرایم متنوعی را دربرمی­گیرد که هر یک به نحوی، عناصر هویتی ِ فردی، فرهنگی، مذهبی، زبانی، قومی و ملی و بین­المللیِ ایرانیان را هدف قرار داده است. از کتمان و جعل هویت نوزاد متولدشده در بیمارستان، تا جعل شناسنامه و جرایم علیه امنیت روانی و اخلاقیِ نوجوانان، همچنین گستره گسترده­ای از صدمات بدنیِ شدید، و تا پاکسازی نژادی و قومی که مصادیقی از جنایات علیه بشریت و نسل­زدایی هستند، جلوه­های اندکی از جرایمِ فراوان علیه هویت به شمار می­روند.

سیاست جنایی اسلام در سه سطحِ پیش‌گیری اجتماعی، وضعی و کیفری به مسئله حجاب توجه کرده است و آحاد جامعه و نهادهای مدنی در کنار حکومت اسلامی، برای تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی حجاب اسلامی در جامعه وظایفی دارند و حکومت اسلامی نیز در سطح پیش‌گیری کیفری، در صورت تحقق شروطی خاص حق جرم‌انگاری رعایت‌نکردن حجاب اسلامی را تحت رعایت مصلحت فرد و جامعه دارد (محمدی جورکویه، 1401: 111). لذا از یک طرف، پیش­فرض­های مبتنی بر مسئولیت­های اجتماعی دولت در قبال پاسداشت [ارزش](https://www.sid.ir/search/paper/%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%B4/fa?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=all)­های ساختاری و مراقبت از آنها و عینیت­بخشی به [اخلاق](https://www.sid.ir/search/paper/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82/fa?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=all) در جامعه به عنوان [مبانی کلان](https://www.sid.ir/search/paper/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C%20%DA%A9%D9%84%D8%A7%D9%86/fa?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=all)، و از طرف دیگر اعتقاد به جنبه پیشگیرانه حجاب در جلوگیری از بزه­دیدگی در برخی جرایم به عنوان مبنای بزه­دیده­شناختی و تولید حس امنیت در زنان به عنوان مبنای روان­شناختی در جایگاه [مبانی خرد](https://www.sid.ir/search/paper/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C%20%D8%AE%D8%B1%D8%AF/fa?page=1&sort=1&ftyp=all&fgrp=all&fyrs=all)ورزانه، قانونگذار را بر آن داشته تا مقوله حجاب زنان را با حقوق کیفری پیوند دهد (محمودی و بابایی، 1399: 253). اما این پیوند در ماده 638 قانون مجازات اسلامی (فصل تعزیرات) به درستی و به نحو مطلوبی از حیث نوع و میزان کیفر در نسبت­مندی با جایگاه حجاب در ایدئولوژی جمهوری اسلامی و خوانش آن از این هنجار شرعی، تنظیم نشده و مشکلاتی در حکمت و ملت پدید آورده است.

این جستار، به روش توصیفی-تحلیلی، مترصد تبیین وجوه اشتراک طیف وسیعی از جرایم است که ادعا دارد قابلیت نامگذاری به عنوان «جرایم علیه هویت» را داراست. این طیف، بسیار گسترده است و مجال شرح و بسط همه­ یا حتی بخش قابل توجهی از آنها در این کوتاهه نیست. اما به قدر امکان، برخی نمودهای آن از منظر جرم­شناسی و سیاست جنایی مورد بررسی قرار می­گیرد.

1. **حجاب، عفاف، مدلینگ و دشواره­ی سیاست جنایی ایران**

حق انسان بر بدن خود، موضوع نظریه­های ناهمسو در علوم انسانی و اجتماعی بوده و نمودهای متنوع آن، از حق حیات و خوراک و درمان و مسکن، تا ادعاهای متنوعی از جمله حق اهداء عضو و سقط جنین و همجنس­گرایی و پوشش نامتعارف، طیفی از مطالعات را برساخته است؛ از هرمنوتیک تاریخی، ایده­آلیسم فمینیستی، جامعه­شناسی­های هنر و کجروی، نظریه­های جرم­شناختی تضاد فرهنگی و فشار و واکنش اجتماعی، تا فقه­های کیفریِ اَخباری و مقاصدی. بازنمایی هویت با تبرّج بدن و لباس­های مدِ بسیار هنجارشکن، که عرفاً نمودِ روابط نامشروع و مصرف روان­گردان­ها و لاابالی­گریِ پست­مدرن­نما است، سیاستگذاری فرهنگی را در بخشِ حقوقی، به تصویب قوانین و مقرراتی سوق داد. زمیولوژی ناهنجاری­های پوشش در برخی کلان­شهرهای ایرانِ امروز، به­ویژه لباس­های مد گوتیک و هیپ­هاپ که رواج فراوانی در «جوانانِ کافه-خیابان-مکان» دارد، اهمیت فرارَوی از پژوهش­های ناقد قانون ساماندهی مد و لباس را ضرورت می­بخشد.

بر پایه گفتمان اسلامی-ایرانیِ زیست عفیفانه، از منظر جرم­شناسی حقوقیِ انتقادی – دانش تحلیل روابط زبان و قدرت در جرم­زابودنِ خودِ قوانینِ متولی مهار جرم – اهمیت نقد نظام جرم­انگاری، کیفرها و تدابیر پیشگیری از جرم در برخی مصوبات نهادهای متولی حمایت از پوشش عفیفانه و مسئول در مقابله با پوشش منحرفانه و مدگرای بسترساز جرایمِ جوانی، از جمله مصوباتی از شورای فرهنگ عمومی کشور، پلیس نظارت بر اماکن عمومی و اتحادیه­های صنف پوشاک و اتحادیه­های موسسات توریستی و کرایه اتومبیل، مشخص می­گردد. (خاقانی اصفهانی، 1401: 109)

این نوشتار با اتکا بر این فرضیه­ی باورمندانه که حق بر بدن و حق بر متفاوت­بودن، مغایر پوشش عفیفانه نیست، اصلاحات گفتمانی، ساختاری و کارکردیِ نهادهای متولی خلاقیت­بخشی به طراحی و ترویج پوشش اسلامی- ایرانی را راهبرد توان­کاهی از جریان ضدفرهنگیِ لباس­های مدِ برساخته از ایسم­های نهیلیستی در جامعه­ی ایران - که از معایب سنّت و معایب مدرنیته در رنج است – می­داند. همچنین حمایت کیفری در برخی از دیگر ساحت­های هویت ملی، وضع مطلوبی ندارد و ایرادهایی از قبل خلأ جرم­انگاری، دادرسی کیفریِ غیرافتراقی، عدم تناسب نوع و میزان کیفرها با اهداف جرم­انگاریِ آن رفتار و شخصیت مرتکبانِ آن، اهمیت اصلاح سازوکارهای حقوق کیفری در پاسداشت نمودهای مهم هویت ملیِ اسلامی- ایرانی را ضرورت می­بخشد.

1. **حمایت از هویت روانی و جسمی کودکان در پرتو نقد قانون حمایت از کودکان و نوجوانان**

قانونگذار كشورمان با استفاده از ساز و كارهایی نظیر جرم انگاری برخی رفتارها علیه كودك به حمایت كیفری از آنها می پردازد و از این طریق درصدد كاهش ضریب آسیب پذیری آنها است كه می توان به مواد 633 ،631، 619 ، 712 قانون مجازات اسلامی(باب تعزیرات)، درباره ایجاد مزاحمت برای اطفال در اماكن عمومی یا معابر، دزدیدن و مخفی كردن طفل، رها كردن طفل در مكانی خالی از سكنه یا هر مكان دیگری، گماردن طفل به تكدی گری اشاره كرد كه به طور ویژه و افتراقی نسبت به جرایم علیه كودكان جرم‌ انگاری كرده است. از سوی دیگر، در بند (ت) ماده 158 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 نیز حدود متعارف تأدیب کودکان توسط والدین قابل تبیین نبوده و این امر ممكن است موجب برخورد سلیقه ای با موضوع شده و زمینه خشونت و كودك آزاری را فراهم آورد. همچنین تجویز ازدواج افراد زیر 18 سال در حالی كه ممكن است از نظر جسمی و روانی مهیای ازدواج نباشند خود مصداق دیگری از خشونت به شمار می رود و به نظر می رسد كه در جهت رعایت مصالح عالیه كودك لازم باشد كه ضمن بازنگری در سن كودكی و نزدیك شدن قوانین به پیمان نامه جهانی حقوق كودك، درباره سن مسولیت كیفری، سن ازدواج و سن شروع به كار تعریف مشخص و معینی ارایه كرد، تعریفی كه منطبق با شرایط حاكم و مقتضیات روز جامعه باشد.

در مورد قانون حمایت از کودکان و نوجوان بی سرپرست و بد سرپرست مصوب 1392، مشکلاتی وجود دارد که به طور غیرمستقیم بر کژروی جنسی یا بزه­دیدگی جنسی کودکان تاثیر می­گذارد. در این قانون افراد واجد شرایط سرپرستی نیز شامل زن و شوهر دارای فرزند و دختران مجرد و زنان بی شوهر نیز شده است؛ این ابتکار قانونگذار فاقد سابقه تقنینی بوده و قبل از قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست پیشینه تقنینی نداشته است؛ این قانون از بعد روحی و روانی و از بعد شخصیت‌دهی به کودکان و تاثیر مثبت در موفقیت آینده آنها، مفید خواهد بود ولی خطری که کودکان را در این قانون تهدید می‌کند این است که اگر این دخترها و زنان بی شوهر بالای 30 سال ازدواج کردند؛ آینده این کودکان با تغییر سبک زندگی سرپرستان چه نتیجه‌ای خواهد داشت. قانونگذاری که فرندخوانده را در قبال ازدواج مادرخوانده­اش رها و بی­حمایت باقی می­گذارد، زمینه­بره­دیدگی جسمی و جنسی وی در خانواده و بالتبع در مدرسه را با ترک فعل خود و با عدم سیاستگذاری، فراهم کرده است.

نقد دیگر به وضعیت سیاست جنایی تقنینی در حمایت از امنیت جنسی کودکان و نوجوانان، نقد بر بند «2» ماده 10 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (مصوب 1399) است. «مطابق بند مذکور، مجازات­ آزارهای جنسی اگر با عنف نباشد، کمتر از حالت توأم با عنف نباشد، کمتر از حالت توأم با عنف خواهد بود؛ که صحیح است. اما آزارهای جنسی توأم با اغوا، فریب، تطمیع و دیگر صوَری که باید «در حکم عنف» درج می­شد، مشمول بند «1» این ماده محسوب نشده است. گویی، قانونگذار فراموشکارانه – یا شاید آگاهانه، اما بر ما نامعلوم- حالت­های در حکم عنف را مستوجب حبس تعزیری درجه 5 ندانسته و آنها را جرایم ساده و غیرمشدد و مشمول حبس تعزیری درجه 6 مقرر نموده است. حتی در همان موضوع عنف نیز درست نیست که رضایت فرد زیر 18 سال را عاملی مؤثر در کاهش مجازات فرد آزاردهنده محسوب کنیم. سیاست جنایی قانونگذار در میزان اعتباربخشی به رضایت کودک و نوجوان در این مورد، قابل نقد به نشر می­رسد. چند نقدِ دیگر که بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1399 وارد است مربوط به بند 3 قسمت «چ» ماده 6 و تبصره 2 ماده 13 و مواد 7 و 9 قانون مزبور است. حمایت از اطفال و نوجوانان در گرو اصلاح سازوکار حمایت حقوقی از حق سلامت و حق تحصیل کودکان و نوجوانان بی­سرپرست و بدسرپرست در ارتباط با این مواد است. بند 3 قسمت «چ» ماده 6 با عبارت «انجام اقدامات لازم جهت ثبت‌نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه» با این چالش روبروست که ضمانت­ اجرای عدم تأمین تبلت یا تلفن همراه هوشمند توسط والدین و سرپرستان قانونی برای کودکان جهت تحصیل از طریق فضای مجازی مشخص نیست.

کاستیِ دیگر در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان 1399، محدودبودنِ قلمرو جرم­انگاریِ انواع بی‌تفاوتی والدین و اولیای قانونی کودکان است. بی­تفاوتی، طیف گسترده­ای دارد و تنها دو مورد - عدم ثبت نام تحصیلی کودک توسط والدین، و عدم گزارش کودک­آزاری توسط مربیان مهدکودک­ها - جرم­انگاری شده است. بی­تفاوتی، یکی از آسیب‌های جدی اجتماعی است که نادیده گرفتن آن و عدم اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از وقوع آن، مانع پویایی و تکامل جامعه می‌‌گردد. مبارزه با بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به کودک‌آزاری از طریق جرم انگاری به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم بوده که در سطح بین‌المللی مورد توجه قانون‌گذاران کشورهای مختلف قرارگرفته است.

تبصره 2 ماده 13 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1399 نیز متأسفانه برخلاف قواعد مسئولیت کیفری و لزوم کمتربودنِ کیفر معاون جرم نسبت به شریک و مباشر جرم، مجازات پزشک و اشخاص مرتبط با امور پزشکی که در ارتکاب جرم انتقال، خرید، فروش یا قاچاق اعضاء و جوارح طفل يا نوجوان، معاونت یا شرکت نمایند را در هر دو فرضِ معاونت در جرم و شرک در جرم، به یک میزان تشدید نموده است. تشدید یکسان کیفر معاون و کیفر مباشر، خلاف قواعد مسئولیت کیفری و مغایر با اصل فردی­کردنِ تقنینیِ کیفرها برحسب نوع مداخله در ارتکاب جرم است.

ایراد دیگر آن که، ماده 7 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1399، تنها به جرم­انگاری امتناع والدین و اولیاء قانونیِ کودکان از ثبت نام تحصیل تا پایان دوره متوسطه و امتناع از فراهم­کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان و یا اقدام به جلوگیری از تحصیل وی پرداخته و مشخص نیست عدم تهیه ملزومات تحصیل مانند وسایل الکترونیکی مورد نیاز برای فراآموزیِ آنلاین، در قلمرو این جرم می­گنجد یا خیر.

ایراد دیگر، بندهای ماده 9 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1399 است، که برخلاف اصل تناسب جرم و مجازات، بی­توجهی و سهل­انگاری نسبت به اطفال و نوجوانان را در صورت منتج ­شدن به شکستگی استخوان (حتی کم­اهمیت­ترین استخوان بدن) مستوجب کیفر حبس تعزیری درجه هفت دانسته، در حالی که بی­توجهی و سهل­انگاری شدید و مستمر را در صورتی که منجر به آزار جنسی بشود مستوجب کیفر کمتری (مجازات تعزیری درجه 8) مقرر داشته است. همچنین تبصره این ماده، بی­توجهی و سهل­انگاری را در صورتی که توسط والدین طفل یا نوجوان – نه افراد دیگری مانند مربی مهد کودک و دیگر اشخاص مسئول نگهداری و مراقبت کودک – ارتکاب یابد قابل کیفر به بیش از حداقلِ کیفرِ مقرر برای سهل­انگارانِ غیروالدین ندانسته است و این­گونه حاشیه امن برای پدر و مادرِ سهل­انگار و خطرساز برای کودک ایجاد کرده است. چنین تخفیفی برای پدر و مادرِ سهل­انگار و بی­مبالات موجب بزه­دیدگیِ کودک از خودِ قانون می­شود.

با وجود تصریح بند 2 قسمت «ج» ماده 6 قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب 1399) به تکلیف تمام مراکز بهداشتی و درمانی به پذیرش و درمان فوری اطفال و نوجوانان آسیب‌دیده و لزوم ارسال گزارش موارد مشکوک به آزار به مراجع قضایی و بهزیستی، ضمانت اجرای عدم پذیرش اطفال و نوجوانانِ مراجعه­کننده به اورژانس در غیر از انتقال مصدوم از صحنه تصادف رانندگی با آمبولانس – مثلا در فرض انتقال با خودروی شخصی- مشخص نیست.

با توجه به ایرادات و خلاءهاي قانوني موجود راجع به بي­تفاوتي افراد نسبت به موارد کودک­آزاري در قوانين کيفري ایران پيشنهاد مي­گردد قانونگذار با وضع قانون جدید و یا انجام اصلاحاتي در قانون موجود اقدام لازم به عمل آورد تا اولاً، تکليف به گزارش­دهي کودک­آزاري شامل همه آحاد جامعه گردد. ثانياً تکليف به گزارش­دهي محدود به اذیت و آزار کودکان و نوجوانان نگردد بلکه شامل همه افراد آسيب­پذیر جامعه اعم از معلولين، سالمندان و زنان شود. ثالثاً در جهت جلوگيري از اعلام موارد اشتباه یا خلاف واقعِ وقوع جرایم مربوط به کودک­آزاري، لازم است با وضع قانون از طریق بهره­مندی از تجارب موفق برخی کشورها – به ویژه آمریکا (نک: حیدری و رضوانی جویباری، 1397) اداره یا مراکزي جهت بررسي صحت­وسقم گزارش­هاي صورت­گرفته، ایجاد گردد تا مددکاران و کارشناسان امور اجتماعي شاغل در آن اداره (که از آموزش لازم برخوردار مي­باشند) در ابتدا نسبت به صحت­وسقم موضوع گزارش تحقيق نموده و تنها پس از اطمينان از تحقق بزه­هاي مذکور آن را به مراجع قضایي جهت تعقيب مرتکب با مرتکبان جرم اعلام نمایند. رابعاً مجازات مقرر براي مجرمين کودک­آزار در قانون افزایش­ یافته و مطابق استانداردهاي جهاني گردد تا واجد آثار لازم از جمله بازدارندگي فردي و اجتماعي گردد. نیز شایسته است در حوزه خانواده، مداخلات پیشگیرانه هوشمندتری به نحوی که معارض ولایت قهری والدین بر اولاد و زوج بر زوجه و ملاحظات فرهنگی و سنّتی جامعه ایرانی صورت بگیرد و در صورت نیاز و احتمال خطر برای کودک، وی را سریع از آستانگیِ بزه­دیدگی خارج کنند.

در ماده ۴۲ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان هم دادگاه می‌تواند تصمیماتی بگیرد و هم البته حضانت، ملاقات و دیگر تأسیسات حقوقیِ خانواده را در فرض تشخیص مخاطراتی محدود کند، و البته شاخص­گذاری قضایی جهت پیشگیری از تشتت دادگاه­ها همچنان جزء خلأهای حقوقی در این زمینه ات و عدم قانونگذاری و نبود ساماندهی قضایی موجب بزه­دیدگیِ اطفال و نوجوانان از این خلأها می­شود. وانگهی، کیفر مقرر برای بی­تفاوتیِ والدین و اولیای قانونی بر کودکان در فروض مختلفِ منجر به انواع آسیب، کیفرهایی سست و غیربازدارنده است و انواع کیفرهای مقرر برای این جرایم نیز کیفرهایی سنّتی و غیرمفید برای بازسازی اجتماعی و آگاها­سازی والدین است و مغایر مصالح کودکانِ بزه­دیده از بی­تفاوتی اولیای آنهاست.

اصلاحاتِ لازم در حقوق ایران برای مقابله با گونه­های نوپدید کژرفتاری عاطفی- جنسی علیه خانواده در گفتمان تصمیم­سازان حقوق ایران، چندین «بایسته­های فرایندی-موضوعی» را به میان می‌کشد: الف) اتخاذ تدابیر پیشگیری غیرکیفری از اَشکال نوپدید کژرفتاری علیه حقوق خانواده، ب) جرم­انگاری کژرفتاری‌های خطیر، حقوق­گذاری برای تمهید قانون-گذاریِ شکلیِ افتراقی، ج) زیرساخت­گذاریِ منابع انسانی و مادی برای توسعه ظرفیت کشف این آسیب­ها و پاسخ­دهیِ حقوقیِ بایسته. از این میان، انتظار می‌رود که «سند تحول قضایی» (مصوب رئیس قوه قضائیه- 1399)، زمینۀ گذار از رویکرد رایج «بزه‌دیده‌شناسی بدبینانه نسبت به زنان و دخترانِ بزه‌دیده از جرایم خانگی (که زنان را در ایجاد زمینه بزه­دیدگی خود مقصر می­داند و مردان متهم را مستحق حداکثر تخفیف بر می­شمارد)، به بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (رهیافتی که بر حمایت از کلیۀ بزه‌دیدگان، از جمله بزه‌دیدگان خاص همچون بانوان تأکید می‌ورزد) را ایجاد کند. رفع چالش­های مذکور در این سخنرانی، گامی در مسیر کاهش بزه­دیدگیِ اطفال و نوجوانان از نارسایی­های قانونِ مصوب برای حمایت از خودِ آنان است.

### هویت و بالندگی خانواده؛ نقدی بر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

حمایت حقوقی از جوانی جمعیت، نیازمند سیاستگذاری تقنینی، قضایی و اجرایی است و جلوه­های حمایت، از الزام نهادهای دولتی به ارائه طیف وسیعی از خدمات و مشوّق­های ازدواج و فرزندآوری گرفته، تا پاسخ­گذاریِ کیفری به صور خطیرِ تهدید علیه کیان خانواده، در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت پیش­بینی شده است. حمایت کیفری، در قالب جرم­انگاری رفتارهای ناقض ارزش­ها و کیفردهی به مرتکبانِ آنها چنانچه ناهمسو با اهداف عدالت جزایی صورت می­گیرد مورد مطالعه بخشی از دانش جرم­شناسی، همانا جرم­شناسیِ حقوقیِ انتقادی، است که نقش نارسایی­های قوانین کیفری و رفتار مجریانِ این قوانین را بر تشدید بحران بزهکاری می­سنجد.

سماجت قانون‌گذار بر صِرفِ فرزندآوری و ارائه وعده حمایت‌های مبهم، از جمله نقدهای قابل واردسازی بر قانون مزبور، از منظر جرم­شناسی حقوقی انتقادی است. با یادآوری اینکه مسئله تشخیص عسر و حرج زوجه در طلاق، به رغم گذشت بیش از یک قرن سابقه قانون‌گذاری از مشروطه تاکنون، هنوز حل‌ نشده و پیچیدگی­های ماهوی و اثباتیِ این نوع از عسر و حرج، در مقایسه باعسر و حرج نوزادِ محتمل به نارسایی­ها، ساده­تر است، چشم­انداز حل چالش­های عسر و حرج نوزادانِ ناهنجارِ مورد غفلت بخاطر محدودسازی اجرای غربالگری، چشم­اندازی تاریک­تر و مبهم­تر از حل مشکلات عسروحرج­های ساده­تر، نظیر عسر و حرج برای زنان در طلاق است. با لحاظ اینکه اکنون این عسر و حرج مربوط به مادر، جنین و خانواده است، حال با یک سرپوش­گذاریّ تحکم­آمیز توسط مواد قانون، هدف عدم بررسی علمی در تشخیص عسر و حرج و مادر، جنین و خانواده در صورت ابتلاء جنین به ناهنجاری‌ها دنبال می­شود و این قانون، مجازات سنگینی را برای غربالگری در نظر گرفته‌ است. سماجت قانون‌گذار بر تولد، و وعده مبهم ارائه برخی حمایت‌ها در آینده، زمینه بزه­دیدگی، قربانی شدن و افتادن در ورطه آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند.

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (مصوب 1400) به مخاطرات دوران بارداری و آینده نوزاد پس از زایمان، توجه واقع­بینانه ندارد، همچنین حمایت‌های اغراق­گونه‌ای مقرر شده، که اجرای آن‌ها با وضع فعلی و آینده‌پژوهی‌های دقیق اقتصادی، با ابهامات سنگینی مواجه است.

در این قانون به‌طور خاص به لحاظ سیاست‌گذاری حقوقی جمعیتی، مغایرت‌هایی با اصول قانون‌گذاری و استانداردهای علمی حقوقی قانون‌گذاری وجود دارد. با توجه به مواد متعدد مرتبط با ممنوعیت اتخاذ تدابیر پزشکی برای بررسی علمی لازم جهت تشخیص ناهنجارهای جنین، اصرار مواد متعددی از این قانون به عدم بررسی تفصیلی و همچنین اصرار به چشم‌پوشی از وجود قرائن و شواهد احتمال ابتلای جنین به ناهنجاری‌ها، امکان بارداری یک جنین معلول و ناقص‌الخلقه را ایجاد می‌کند. این قانون به‌نوعی بدبینی حتی در حد تعیین مجازات برای کشف نارسایی‌ها و ناهنجاری‌های جنین­ها را مقرر کرده است. این امر شامل تمام متولیان و افراد مرتبط اعم از مادر تا بهورز، بهیار و کادر درمان در خانه‌های بهداشت روستایی، شهرستان، دانشجویان پزشکی، پزشکان عمومی، متخصصان و سیاست‌گذاران کلان وزارت بهداشت می‌شود، گویی این قانون صرفاً به دنبال ایجاد و تکمیل مرحله بارداری تا انجام زایمان است. همچنین متأسفانه منابع مالی آن‌ها، زیرساخت‌های اجرایی، وجود تعارض با قوانین متعدد موجود کشور و ... ازجمله مسائل مبهم و حل‌نشده‌ هستند و مسائل مربوط به تولد در ابهام‌ها و تعارض‌های قانونی، مالی، هماهنگی اجتماعی و رویکردی متعددی وجود دارد. این قانون، مانع بررسی‌های علمی و ضروری برای احترام به استقلال فردی مادر و حق سلامتی جنین و مخالف پیشگیری از ایجاد بحران‌های سلامتی جنینی و کم­توجه به چشم­انداز دسترسی به شرایط لازم برای پیشگیری از عسر و حرج در زندگی آینده­ی نوزاد است.

در جرم‌شناسی پیشگیرانه که عرصه­ای از دانش جرم‌شناسی در قلمرو علوم جنایی است؛ عوامل و زمینه‌های بزه­دیدگی و بزه‌کاری قبل از تولد انسان تا لحظه وقوع جرم مطالعه می‌شود. از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه می‌توان این قانون را نقد کرد که با تعیین مجازات برای بررسی علمی متعارف و لازم پیرامون ناهنجاری‌های جنین و تعیین مجازات برای بررسی‌کنندگان اعم از کادر درمان و...، قانون‌گذار زمینه تولد انسان‌هایی با نارسایی‌های جنینی و مشکلات آینده اجتماعی را ایجاد کرده است.

با توجه به این که سماجت در تولد و دور کردن مسئولان در پیشگیری از تولد نوزاد ناهنجار و اکتفا به برخی دستورات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روبناییِ نه­چندان­واقع­بینانه برای کمک به مادر و فرزند متولد شده، نمی‌تواند تأمین‌کننده حداقل‌های یک زندگی عادی بر اساس شاخص­های حقوق بشر باشد. این قانون از منظر بزه­دیده­شناسیِ حمایتی و جرم‌شناسی پیشگیرانه، زمینه‌های قربانی­­­شدن افراد به خاطر مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بیماری و... که حاصل تولد پیش‌بینی‌نشده و نبود زیرساخت‌های اجتماعی برای آموزش و اشتغال و زندگی موفق است را به وجود می‌آورد.

سماجت قانون‌گذار بر صِرفِ فرزندآوری و ارائه وعده حمایت‌های مبهم، از جمله نقدهایی است که بر قانون مزبور، از منظر جرم­شناسی حقوقی انتقادی وارد است. با یادآوری اینکه مسئله تشخیص عسر و حرج زوجه در طلاق، به رغم گذشت بیش از یک قرن سابقه قانون‌گذاری از مشروطه تاکنون، هنوز حل‌ نشده و پیچیدگی­های ماهوی و اثباتیِ این نوع از عسر و حرج، در مقایسه باعسر و حرج نوزادِ محتمل به نارسایی­ها، ساده­تر است. چشم­انداز حل چالش­های عسر و حرج نوزادانِ ناهنجارِ مورد غفلت بخاطر محدودسازی اجرای غربالگری، چشم­اندازی تاریک­تر و مبهم­تر از حل مشکلات عسروحرج­های ساده­تر، نظیر عسر و حرج برای زنان در طلاق است. با لحاظ اینکه اکنون این عسر و حرج مربوط به مادر، جنین و خانواده است؛ حال با یک سرپوش­گذاری تحکم­آمیز توسط مواد قانون، هدف عدم بررسی علمی در تشخیص عسر و حرج و مادر، جنین و خانواده در صورت ابتلاء جنین به ناهنجاری‌ها دنبال می­شود و این قانون، مجازات سنگینی را برای غربالگری در نظر گرفته‌ است. این در حالی است که قبل از تعیین یا الغای قانون پزشکی، لازم است ابتدا منافع و مضرات آن بررسی شود؛ آنگاه در سطح قانون گذاری درخصوص تصویب یا ملغی نمودن آن تصمیم گرفت. سماجت قانون‌گذار بر تولد و وعده مبهم ارائه برخی حمایت‌ها در آینده، زمینه بزه­دیدگی، قربانی شدن و افتادن در ورطه آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند.

با استناد به آمار سال 1399 و 20 هزار درخواست سقط قانونی، باید توجه داشت فقط به 12 هزار درخواست پاسخ مثبت داده ‌شده و تمامی این 12 هزار نفر هم خروجی‌های غربالگری بودند؛ یعنی در بدبینانه‌ترین حالت، 12 هزار سقط بخاطر غربالگری رخ‌ داده است، که اگر بخواهیم غربالگری را محدود کنیم منجر به تولد 12 هزار کودک بیمار می‌شود. ضعف فاحش سطح دسترسی مادران در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین به غربالگری و عدم اطلاع آن‌ها ازاین‌گونه مراقبت‌ها، باعث نقض حقوق اساسی بشر که مورد تصریح قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی واقع شده است؛ می باشد.

در مورد مفاد ماده ۲۳ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» اقداماتی برای حمایت از شیرخوارگاه‌ها و مراکز نگهداری شبانه‌روزی حمایت از کودکان بی‌سرپرست و خیابانی مقرر شده است. بند (ب) این ماده، سازمان بهزیستی کشور را مکلف کرده در هر یک از مراکز مذکور حداقل یک نفر آشنا به تربیت اسلامی کودک با معرفی مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه در چهارچوب قوانین مربوط به‌کارگیری شود. ابهام و ایراد بند قانونیِ مذکور را باید در عدم استفاده از ظرفیت تعداد زیادی از متخصصان روان­شناسی، روان‌پزشکی، مددکاری اجتماعی، حقوق خانواده، روان‌شناسی خانواده و رشته‌های مرتبط دانست. بهتر بود در کنار استفاده از «یک نفر آشنا به تربیت اسلامی» -‌که در این ماده، ملاک احراز دقیق هم درج نشده- ضابطه‌مندی ساختاری مشخصی هم تصریح نشده است، از ظرفیت متخصصان دانشگاهی تربیت اسلامی کودک در این موضوع هم استفاده می­شد. همچنین در مفهوم و قلمرو دستاوردهای علمی قابل اتکا به مقوله تربیت فرزند که مقوله بسیار مهمی است؛ صرفاً یک نفر «آشنا» که معرفی­شده از حوزه‌های علمیه باشد، کافی دانسته شده است.

به علاوه، بند (پ) ماده ۲۳ قانون مزبور که سازمان بهزیستی کشور را مکلف به برنامه‌ریزی برای تولید محتوای تربیتی، آموزشی، ابعاد معنوی و مذهبی با همکاری حوزه علمیه کرده، درحالی که نهاد مسئول تولید محتوای آموزشی، نهاد ناظر بر تولید این محتوا و نهاد مکلف به کارگیری از این محتوا نیازمند رفع ابهام است.

در مورد بند (ج) ماده ۲۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، یکی از تسهیلات این قانون برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی است که باردار یا شیرده هستند و مقرر کرده وزارت علوم و وزارت بهداشت موظف به ایجاد شرایطی هستند که به ازای داشتن هر دانشجوی مادر باردار یا دارای فرزند شیرخوار، یک ظرفیت به استاد راهنمای وی اضافه شود. اما این مزیت، لزوماً شامل دانشجوی باردار یا شیرده نمی‌شود و ظرفیت افزوده­ شده به استاد راهنمای پایان­‌نامه و رساله، به دانشجوی دیگری اعم از دانشجوی مرد یا زن (غیر باردار و غیرشیرده) تخصیص می‌­یابد و آن‌ها سهواً مورد حمایت این قانون قرار می‌گیرند. این‌ یک مزیت مالی و پژوهشی برای اساتید محسوب می‌شود، نه برای دانشجوی باردار یا شیرده. حتی اثر منفی بر دانشجوی باردار یا شیرده می‌گذارد، چراکه افزایش ظرفیت استاد راهنما موجب افزایش مشغله‌اش می‌­شود و نمی‌تواند زمان کافی برای راهنمایی رساله دانشجوی باردار و شیرده بگذارد.

بر اساس ماده ۲۷ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، به ازای هر فرزند، ۶ ماه از قانون تعهد پزشکان کم شده و به مادران باردار و دارای فرزند زیر ۲ سال حق داده که طی بارداری و پس ‌از آن تا دو سال، آغاز طرح پزشکی خود را به تعویق بیندازند. امکان به تعویق انداختن طرح پزشکی برای مادر باردار ایجاد شده، اما برای بهره‌­مندی ساکنان مناطق محروم از پزشک جایگزین فکری نشده است. با فرض اینکه مادر باردار خودش پزشک متخصص زنان زایمان و یا ماما باشد، اگر برای او جایگزینی پیش ‌بینی‌ نشده باشد، مادران بسیاری در آن مناطق از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌­های بارداری محروم می‌مانند و دچار آسیب‌های بسیار می‌شوند.

در ماده ۳۲ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، وزارت راه و شهرسازی و کلیه شهرداری‌ها مکلف شده‌اند بودجه‌ای را از فعالیت تبلیغات‌ محیطی برای افزایش جمعیت قرار دهند. همچنین تبصره ماده ۳۲ مقرر کرده حداقل ۴۰ درصد از یک ‌سوم بودجه این تبلیغات با نظارت سازمان تبلیغات اسلامی در اختیار گروه‌های جهادی و مردم‌نهادِ دارای مجوز در حوزه ازدواج و خانواده قرار داده شود. این ابهام مطرح است که اگر حداقل ۴۰ درصد است، حداکثر چقدر است؟ در واقع قانون‌گذار تصریح به حداکثر بودجه ممکن را فراموش کرده و این بدین معناست که می‌شود تا ۱۰۰ درصد از یک‌سوم بودجه را تخصیص داد که در این صورت ممکن است بودجه سایر برنامه‌های تبلیغی را مختل ‌کند. ایراد دیگر این که، شیوه خاص جلب مشارکت گروه‌های جهادی و مردم‌نهاد است، که به نظر می­رسد همسو با هنجارهای «سیاست جنایی مشارکتی» نیست. عبارت گروه‌های جهادی و سازمان‌های مردم‌نهاد دارای مجوز در حوزه ازدواج و خانواده، عبارتی مبهم است. آیا گروه‌های جهادی هم باید دارای مجوز باشند؟ اگر چنین است مرجع صدور این مجوز و ضوابط عملکرد و نظارت بر آن چه نهادی است؟ با توجه به ابهام در مورد فهرست واضح رسمی و مورد انتشار عمومی از سازمان‌­های مردم‌­نهاد فعال در حوزه ازدواج و خانواده، نگرانی بابت تخصیص بودجه به مراکز صیغه‌یابی و مراکز دارای مجوز از نهادهای متعدد موازی و غیردولتی به وجود می‌آید. ابهام در این زمینه ممکن است امنیت و ثبات خانواده را با ارائه خدمات و تسهیلات موقت به مخاطره بیندازد.

ماده ۴۶ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در خصوص تولید متون علمی در راستای ترویج اثرات مثبت زایمان طبیعی و بارداری است. همچنین بند (الف) ماده ۴۶ بر لزوم تغییر، اصلاح، تکمیل و به­‌روزرسانی منابع آموزشی مربوط به تبیین مضرات سقط‌جنین و داروهای ضدبارداری و منع زایمان غیرطبیعی تأکید کرده است. ایراد وارد بر بند (الف) این ماده، پیروی از یک پیش‌فرض نادرست علمی است، چراکه سقط‌جنین را صرفاً دارای مضرات دانسته، همه داروهای ضدبارداری را دارای عوارض دانسته و زایمان غیرطبیعی را ممنوع کرده است، درحالی‌که از نظر علمی و شرعی در مواردی نه‌تنها ضرر ندارد، بلکه برای سلامتی لازم و ضروری است.

همچنین در مورد ماده 51 قانون مزبور که مبادرت به ممنوع کردن اقلام پیشگیری از بارداری، توزیع رایگان یا یارانه‌ای اقلام پیشگیری از بارداری و ممنوع کردن توزیع آن‌ها نموده است نقد وارد است؛ زیرا این تحدید، مغایر اصل استقلال فردی و مغایر مصالح عالیه کودک و خانواده و جامعه است.

نگاهی به ماده 56 «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نشان می­دهد قانونگذار تلاش کرده از طریق جایگزینی رویکرد قضایی به جای رویکرد پزشکی، موارد سقط درمانی را کاهش دهد. جلوه­های این رویکرد در فرآیند رسیدگی به مجوز سقط درمانی، تغییر در ساختار رسیدگی به درخواست مجوز و نیز تشدید تدابیر کیفری مشاهده می­شود. سیاست جنایی تقنینی حاکم بر رژیم کیفری سقط درمانی در این قانون، می­بایست اصلاح شود و نقش پزشکی قانونی در صدور مجوز سقط­ درمانی پررنگ­تر شود. وانگهی، در ماده 56 به صورت مطلق «مراکز پزشکی قانونی» را مرجع دریافت درخواست دانسته است. این در حالی است که ادامه ماده درخصوص مرجع ارجاع درخواست به کمیسیون سقط قانونی، به «مراکز پزشکی قانونی در مراکز استان­ها» اشاره کرده است. گرچه پیش­بینی امکان ارائه درخواست مجوز در کلیه مراکز پزشکی قانونی موجب راحتی مادران خواهد شد، اما از آنجا که مراکز پزشکی قانونی صلاحیت ارجاع موضوع به کمیسیون مراکز پزشکی قانونی مراکز استان­ها این اختیار را ندارند؛ محل نقد است.

ایراد دیگر «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت»، تعارض احتمالی ماده56 قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با قسمتی از ماده 104 قانون مجازات اسلامی است. بر اساس ماده 104 ق.م.ا، ماده 622 قانون مجازات اسلامی فصل تعزیرات - که ناظر بر سقط جنین از طریق ضرب و جرح و آزار و اذیت زن حامله است – قابل گذشت اعلام شده است. باتوجه به ماده 56 این سؤال مطرح می­شود که نظر به این­که ماده 56 به صورت مطلق اعلام کرده سقط جنین همانا دارای جنبه عمومی است، آیا ماده 622 قانون مجازات اسلامی از شمار جرایم قابل گذشت خارج شده یا خیر؟ سیاست جنایی تقنینی در این زمینه، ساکت است و پیش­بینی­ می­شود این «سکوتِ تقنینی» به «تشتت قضایی» بینجامد. تشتتِ مورد پیش­بینی، آن­گاه تشدید خواهد شد که توجه کنیم ماده 56 قانون جوانی جمعیت، ابطال پروانه پزشکی را نیز به ضمانت­اجراهای کیفری مندرج در ماده ماده 622 قانون مجازات اسلامی افزوده است و ابطال را که با عنایت به ماده 23 قانون مجازات اسلامی ماهیت کیفر تکمیلی اختیاری دارد، به مجازات تکمیلی اجباری یا شاید به مجازات اصلی (در همین دو، هم ابهام وجود دارد) مبدّل نموده است. همچنان که این نیز مشخص نیست که آیا واژه «تکرار» مندرج در تبصره 4 ماده 56 قانون جوانی جمعیت، همان «تکرار جرم» به معنای ماده 137 قانون مجازات اسلامی است و یا اینکه مراد این بوده که این جرم از جرایم به عادت نیست و با یک بار ارتکاب نیز صدق می­یابد؟ این آشفتگی­های تقنینی، نوزادان را بیشتر از گذشته بزه­دیده­ی سقط جنین و صدمات بدنیِ پس از زایمانِ غیربهداشتی و مخفیانه می­نماید. انباشت آسیب­های بر نوزادان، از لحظه تولد تا بزه­دیدگی­های دوران نوزادی و کودکی و نوجوانی، ضرورت توجه به پژوهش­هایی را افزایش می­دهد که تغییرات جمعیتیِ پرنوسان – مانند ایران که در افزایش نرخ موالید در دهه 1360 رکورد جهانی دارد و سپس در راهبردی کاملا معکوس با شیب تند، در کاهش نرخ موالید در دهه 1390 نیز رکود جهانی دارد – را از این منظر که باعث شکل­گیری قدرت سیاسی می­شوند و روندهای جمعیتی قابلیت اثرگذاری بر بحران­های ایدئولوژیِ ناپویا دارند، تحلیل می­کنند.

به جهت اشکالات فوق و طیف وسیعی از دیگر اشکالات در نظام حمایت حقوقی از خانواده است که پژوهش­های متعددی ادعان دارند دولت جمهوری اسلامی با تعریف الگویی از «خانواده طراز» و تلاش برای تحقق آن الگو از طریق به‌کارگیری ابزارهای قهری و غیرقهری مانند جرم­انگاری، آموزش و تبلیغات عمل می­کند. هرچند علی‌رغم سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات متعدد برای حفظ ساختار و کارکرد سنتیِ نهاد خانواده در عهد جمهوری اسلامی، به­دلیل ضعف در درکِ درستِ واقعیات اجتماعی و اتکا بر اِعمال اَعمال حاکمیتی و دیوان‌سالارانه در این خصوص، نظام پدرسالاری دولتی سوءمداخلاتی در تنظیم­گریِ حقوقی خانواده داشته ­است، بر این اساس، حفظ خودتنظیم‌‌گریِ خانواده ضروری ­است. (مهدوی زاهد، 1397: 289)

قانونگذار كشورمان با استفاده از سازوكارهایی نظیر جرم انگاری برخی رفتارها علیه كودك به حمایت كیفری از آنها می پردازد و از این طریق درصدد كاهش ضریب آسیب پذیری آنها است كه می توان به مواد 633 ،631، 619 ، 712 قانون مجازات اسلامی(باب تعزیرات)، درباره ایجاد مزاحمت برای اطفال در اماكن عمومی یا معابر، دزدیدن و مخفی كردن طفل، رها كردن طفل در مكانی خالی از سكنه یا هر مكان دیگری، گماردن طفل به تكدی گری اشاره كرد كه به طور ویژه و افتراقی نسبت به جرایم علیه كودكان جرم‌ انگاری كرده است. از سوی دیگر، در بند (ت) ماده 158 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 نیز حدود متعارف تأدیب کودکان توسط والدین قابل تبیین نبوده و این امر ممكن است موجب برخورد سلیقه ای با موضوع شده و زمینه خشونت و كودك آزاری را فراهم آورد. همچنین تجویز ازدواج افراد زیر 18 سال در حالی كه ممكن است از نظر جسمی و روانی مهیای ازدواج نباشند؛ خود مصداق دیگری از خشونت به شمار می رود و به نظر می رسد كه در جهت رعایت مصالح عالیه كودك لازم باشد درباره سن مسولیت كیفری، سن ازدواج و سن شروع به كار تعریف مشخص و معینی ارایه كرد، تعریفی كه منطبق با شرایط حاكم و مقتضیات روز جامعه باشد.

1. **جرایم رایانه­ای تهدیدگرِ هویت جوانان و خانواده؛ نقد سیاست جنایی تقنینی**

امروزه در میان نگرانی‌های گسترده درباره اخبار جعلی فعالیت­های نفوذی و به اشتراک‌گذاری محتوای افراطی، خشن یا غیر اخلاقی هر روز کشورهای بیشتری برای مهار فضای مجازی و ایجاد فضای سالم و ایمن تلاش می‌کنند. برای نمونه، ضعف فاحش حمایت از کودکان بزه‌دیده شدیدترین جرایم جنسی، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب 1399) ایران تحلیل خواهد شد؛ بند 5 ماده 10 این قانون درخصوص جرم شنیع و هولناکِ بهره‌کشی جنسی از طفل و نوجوان از طریق اجیرکردنِ وی برای هرزه‌نگاری یا سوءاستفاده جنسی، تنها دو تا 5 سال حبس مقرر داشته؛ و بند 6 ماده 10 قانون مزبور، در دسترس قراردادن یا ارائه محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان را مستوجب مجازات بسیار خفیف و غیربازدارنده‌ای (حبس تا حداکثر سه ماه یا جزای نقدی تا حداکثر یک میلیون تومان، یا شلاق تا حداکثر 10 ضربه) دانسته، که چنین کیفر خفیفی بیش از آن که بازدارنده از ارتکاب این جرایم باشد، با اندک بودن و خفیف بودنش همانا محرّک ارتکاب این جرایم است. در تداوم نقد کیفرهای بسیار نامتناسب خطرناکی جرایم منافی عفتِ سایبری علیه امنیت اخلاقی خانواده، می‌توان به بند 7 ماده 10 قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اشاره کرده که استفاده از طفل و نوجوان برای تهیه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل را حسب مورد، تنها به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات‌های بسیار خفیف مقرر در «قانون نحوه مجازات اشخاصی که درامور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند» (مصوب 1386) قابل محکومیت دانسته است. نمود دیگری از ضعف ناباورانه‌ی حقوق کیفری ایران در حمایت از امنیت اخلاقی کودکان و نوجوانان – به مثابه آسیب‌پذیرترین اعضای خانواده و جامعه – در برابر جرایم سایبری است، مفاد بند 8 ماده 10 قانون پیش گفته است، که واردات و صادرات و تکثیر و انتشار و عرضه و معامله و بارگذاری محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل که در آنها از اطفال و نوجوانان بهره‌گیری شده و یا حمل و نگهداری آنها را به یکی از مجازات‌های بسیار ناچیز و غیربازدارنده‌ی مقرر در کیفرهای تعزیری درجه 6 قانون مجازات اسلامی (ماده 19 قانون مجازات اسلامی) قابل محکومیت دانسته است.

همچنین در نقد پیامدهای ضعف حمایت کیفری از طفل و نوجوانان در برابر جرم برقراری ارتباط با طفل و نوجوان در فضای مجازی به منظور هرگونه آزار جنسی یا ارتباط جنسی نامشروع است باید به ماده 10 قانون حمایت از اطفال و نوجوانان اشاره کرد که ارتکاب این جرمِ خطیر را تنها مستوجب تعزیر درجه 6 مندرج در ماده 19 قانون مجازات اسلامی دانسته است. از منظر حقوق کیفری تطبیقی در حمایت از خانواده، کشورهای مورد مطالعه کیفرهای بسیار سخت‌تری در این جرایم مقرر کرده و حمایت قانونی قوی‌تری از کودکان و نوجوانان به عمل آورده است؛ مجازاتی که قوانین مالزی برای پورنوگرافی کودکان پیش‌بینی کرده، به موجب قانون کودک سال 2001 سوءاستفاده جنسی از کودکان به 10 سال حبس محکوم می‌شود. توزیع، فروش و تولید موارد زشت و قبیح به پنج سال زندان و نگهداری آن حداکثر تا سه سال تعیین شده است. در کشور ترکیه با توجه به اینکه توسعه در حوزه ICT با ایران شروع شده است ولی پیشرفته زیادی داشته است. «در مقابل، قوانین محدودیتهای زیادی در فضای مجازی ایجاد کرده است. قانون جدید شامل 12 ماده علیه متجاوزان به کودکان است. براساس این قانون، مجازات تجاوز به کودکان و قتل آنها، مشمول حبس ابد و مجازات سنگین‌تر شامل عقیم‌سازی متجاوزگران است.»[[2]](#footnote-2) حقوق کیفری ترکیه و مالزی، با پیش‌بینی کیفرهای سنگین سیاست کیفری سختگیرانه‌تری نسبت به سیاست کیفری ایران اتخاذ نموده‌اند.

در برخی جرایم رایانه­ای هم سیاست جنایی ایران، معکوس و بسیار سختگیرانه و نامتناسب است و با رویکرد تساهل و تسامح در تعزیرات همسو نیست. این در حالی است که نمی­توان گفت همه معاصی، مستوجب تعزیر است، به دلیل اینکه اولاً: معاصی درجات بسیار مختلفی دارد و نمی­توان برای همه، تعزیر و مجازات را تجویز کرد، بلکه پاسخ مناسب برای برخی گناهان تنها مجازات و تعزیر است و برخی نیز تنها با توبه اصلاح می­شود و نیازی به تعزیر نیست؛ ثانیاً: موارد متعددی در تاریخ نقل شده است که پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع)، گناهکاران را تعزیر نکرده­اند. (صادقی و تقی­پور، 1396: 31)

به نظر می­رسد نظام حقوقی ایران دچار آسیب «تورم کیفری» و نارسایی در توسلِ بایسته به تدابیر پیشگیرانه در مهار جرایم سایبریِ مخل کیان خانواده است. ایرادات وارد بر حقوق ترکیه و مالزی عمدتاً از نوعِ کم­توانیِ حقوقی در پیشگیری تهذیب­مدار است و ایراد چندانی در قانونگذاری و کیفرگزینی ندارند. مجازات حبس و طیف وسیعی از محرومیت از حقوق اجتماعی، ­از مهم‌ترین تدابیر کیفری اتخاذ شده در حقوق ایران، ترکیه و مالزی هستند که هدف مهار جرایم فضای سایبر که تهدیدگرِ امنیت حقوقی و کیان اخلاقی خانواده هستند را پیجویی می­کنند. اما حبس­های نامتناسب با شخصیت مجرم و پیامدهای اجتماعی جرم، و محرومیت­های کیفریِ نسنجیده، مجازات­های جرم­زا (نقض غرض) هستند که بیشتر در قوانین و رویه قضایی کیفری ایران، معضل­آفرین­اند و کمتر در نظام کیفری ترکیه و مالزی. نیز به نظر می­رسد پیشگیری وضعی و اجتماعی، پیشگیری اولیه و ثانویه و ثالث، پیشگیری غیرکیفری و کیفری، پیشگیری عمومی و اختصاصی، از مهم­ترین انواع کلیِ پیشگیری­های غیرکیفری هستند، که با اولویت بر پیشگیری کیفری (جرم­انگاریِ حمایتی)، راهبرد شایسته­ای در مهار اغلب جرایم سایبریِ مخل امنیت حقوقی خانواده هستند.

**نتیجه­گیری**

با توجه به این که سماجت در تولد و دور کردن مسئولان در پیشگیری از تولد نوزاد ناهنجار و اکتفا به برخی دستورات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روبناییِ نه­چندان­واقع­بینانه برای کمک به مادر و فرزند متولد شده، نمی‌تواند تأمین‌کننده حداقل‌های یک زندگی عادی بر اساس شاخص­های حقوق بشر باشد، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت از منظر بزه­دیده­شناسیِ حمایتی و جرم‌شناسی پیشگیرانهِ انتقادی، زمینه‌های قربانی­­­شدن افراد به خاطر مشکلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، بیماری و... که حاصل تولد پیش‌بینی‌نشده و نبود زیرساخت‌های اجتماعی برای آموزش و اشتغال و زندگی موفق است را به وجود می‌آورد. هدف این قانون، افزایش موالید است؛ حمایت‌های کارشناسی­نشده و اغراق­آمیزی که اشکالات ساختاری و اجرایی دارد و با آینده‌پژوهی‌های دقیق اقتصادی چندان همسو نیست، و در کنار نقاط مثبت قابل توجهی که دارد، به نظر می­­رسد نیامند اصلاح از همین بدو اجرا است. همچنین قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و برخی آیین­نامه­های اجرایی آن، نیز [لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت](https://www.mashreghnews.ir/news/993346/%D9%85%D8%AA%D9%86-%DA%A9%D8%A7%D9%85%D9%84-%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%AD%D9%87-%D8%B5%DB%8C%D8%A7%D9%86%D8%AA-%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%AA-%D9%88-%D8%AA%D8%A3%D9%85%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA-%D8%A8%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1-%D8%AE%D8%B4%D9%88%D9%86%D8%AA)، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، و قوانین و مقررات دیگر در حوزه حجاب و عفاف و خانواده – که مجموعاً سیاست جنایی تقنینی ایران در مهار کژروی­ها و جرایم تهدیدگرِ سطوح مختلف هویت ایرانیان را برمی­سازد – نیازمند اصلاحاتِ مطرح در مقاله هستند.

تشویش در سیاستگذاری حقوقی (جرم­انگاریِ دیرهنگام، نوسان در تدقیق قانونیِ مرز جرم سایبری با تخلف سایبری)، کم­توجهی به عرف و خواست جامعه، غلبه گفتمان امنیت­گرایی بر آزادی­گرا و اجتماع­مدار، ویژگی بارز راهبرد نظام­ حقوقی ایران و تاحدّی ترکیه در پیشگیری از جرایم سایبریِ مخل امنیت حقوقی و اخلاقیِ خانواده است. نظام حقوق مالزی راهبرد نسبتاً منسجم و قابل قبولی در سیاستگذاری حقوقی سایبری جهت سختی­افزایی بر مخاطرات سایبریِ تهدیدگرِ خانواده را دارا هستند؛ اگرچه به ایرادات قابل توجهی نیز مبتلااند. همچنین به نظر می­رسد ترجیح امنیت­گرایی بر آزادی­های مشروع اجتماعی و فردیِ سایبری، تأخیر در جرم­انگاری، تعیین کیفرهای نامتناسب با اهداف جرم­انگاری و شخصیت مجرمان، قدیمی­بودن و ناپویایی تدابیر پیشگیری از جرایم سایبریِ غیراخلاقی و عدم تربیت نیروی انسانی متخصص و فناوری­های روزآمد، از مهم­ترین نارسایی­های قانونی ایران در حمایت از خانواده در برابر تهدیدات فضای سایبر است.

**منابع**

1. آزاد ارمکی، تقی و محمدحسین شریفی ساعی (1390)، تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران، خانواده‌پژوهی، سال هفتم، شماره 28.
2. آل بویه، علیرضا؛ علاسوند، فریبا؛ کبیری، زینب (1397)، بررسی انتقادی دیدگاه اکوفمینیسم رادیکال درباره جواز سقط جنین از منظر اخلاقی، پژوهش­نامه اخلاق، شماره 42.
3. پورعبداله، كبری، رنگچي طهراني، عطيه،(1396)پيامدهاي کيفرزدايي در حوزه جرائم خانواده، پژوهش هاي انتظامي - اجتماعي زنان و خانواده، شماره 1.
4. تقی‌زاده، مهرداد (1396)، مطالعه تطبیقی نظام حقوقی حاکم بر فضای سایبری (حوزه مطالعه: پنچ کشور آسیایی ایران، مالزی، سنگاپور، زاپن و چین)، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال 7، شماره 31.
5. حسینی، انسیه؛ شاملو، باقر (1399)، حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزهکار در پرتو عدالت کیفری افتراقی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره 24، شماره 92.
6. خاقانی اصفهانی، مهدی (1398)، ظرفیت­سنجی لایحه قضایی «تأمین امینت بانوان در برابر خشونت» در تحکیم حق سلامت کودکان، پژوهش­نامه زنان، دوره 11، شماره 33.
7. ـــــــــــــــــــــ (1401)، ناحمایتیِ حقوقی از شیک­پوشیِ عفیفانه­، در همجه لباس­های مدِ جرم­زا، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی وضعیت اجتماعی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
8. ـــــــــــــــــــــ؛ محمدی، قاسم (1398)، راهبردهای پیشگیری از بزه­دیدگی کودکان کار؛ الگوی مبتنی بر نوع فعالیت، فصلنامه حقوق کودک، سال اول، شماره 2.
9. صادقی، محمدهادی؛ تقی­پور، مهدی (1396)، مبانی جرم­انگاری هرزه­نگاری رایانه­ای از دیدگاه فقه امامیه، فصلنامه گفتمان حقوقی، شماره 32.
10. لطیفی محمدرضا (1398)، حکمرانی فضای مجازی در کشور ترکیه، گزارش سریع پژوهشگاه فضای مجازی، گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مرکز ملی فضای مجازی.
11. محمدی جورکویه، علی (1401)، موضع سیاست جنایی اسلام در مسئله حجاب، دوفصلنامه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، دوره 5، شماره 10.
12. محمودی، مرتضی؛ بابایی، محمدعلی (1399)، مبانی جرم­انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در حقوق کیفری ایران، پژوهش­نامه حقوق کیفری، دوره 11، شماره 1.
13. مقدادی، محمدمهدی و مریم جوادپور (1396)، تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره 40.
14. مهدوی زاهد، مهدی (1397)، واکاوی رویکرد دولت جمهوری اسلامی در تنظیم­گری حقوقی خانواده، پژوهش حقوق عمومی، شماره 60.
15. Emre Cihan ATES, Gazi Erkan BOSTANCI and Mehmet Serdar GÜZEL (2018),Cybercrimes Against Children in Turkey, International Symposium on Digital Forensic and Security (ISDFS).

1. عضو هیأت علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکدۀ تحقیق و توسعۀ علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. رایانامه: [khaghani@samt.ac.ir](mailto:khaghani@samt.ac.ir) [↑](#footnote-ref-1)
2. Emre Cihan ATES, Gazi Erkan BOSTANCI and Mehmet Serdar GÜZEL (2018),Cybercrimes Against Children in Turkey, International Symposium on Digital Forensic and Security (ISDFS), p. 18. [↑](#footnote-ref-2)